

کتاب

اصحاب استجاره و مسجد سہلہ

حکم تشرفات در عالم رؤیا و مکاشفه و بیداری

سؤال: آیا در این زمان؛ تشرّف به حضور حضرت صاحب الأمر علیه السلام؛ در خواب یا بیداری؛ ممکن است؟ آیا این وقایع و قضایایی که راجع به شرفیابی و زیارت حضرتش؛ در کتابهای علمای شیعه آمده است؛ درست می باشد؟ اگر شخصی توفیقی در این زمینه داشت؛ آیا بازگویی آن درست است؟ آیا مضمون این رؤیاهای برای انسان الزام آور است؟

جواب: {۱}. رؤیای صادقانه؛ یکی از تواناییهای انبیاء و اوصیای الهی علیهم السلام است، اما برای سایرین نیز ممکن الوقوع است؛ ولی همیشگی نبوده؛ و همیشه رؤیاهایشان از القاءات غیر رحمانی؛ محفوظ نبوده؛ بلکه گاهی مشوب به آثار طبع و خیال و غلبه مزاج است، و این امر برحسب مراتب معنوی و ملکوتی افراد؛ مختلف است، از این روست که در شرع شریف؛ خواب و رؤیا حجت نبوده، و محل اعتبار نیست، البته ممکن است شخصی در موردی یا مرتبه ای رؤیاهایش از این عوارض مصون بشود؛ ولی کلیّت ندارد، و برای همین است که صادق بودن رؤیا؛ خودش نیاز به حجت شرعی مستقلى دارد، که کمتر اتفاق می افتد.

{۲}. اما خصوص تشرّف به حضور انور صاحب الأمر علیه السلام و سایر معصومین علیهم السلام در عالم رؤیا؛ هر چند به حکم فرموده: {من رآنی فقد رأى الحق}، باید این گونه منامات مطلقاً محکوم به صحت باشد، ولی چون لازمه تصدیق این تشرّف؛ وقوع تشرّف حتمی قبلی شخص در عالم بیداری؛ به حضور حضرتش است، که بتواند بر اساس آن؛ رؤیایش را محك زده، و صحت آنرا بررسی نماید، و چون اهل این زمان؛ نسبت به حضرات معصومین علیهم السلام دوازده قرن فاصله داشته، و حضرت صاحب الأمر علیه السلام هم که مستور بوده اند؛ لذا برای غالب

افراد تطبیق این قاعده میسور نیست، و بدون این سابقه نیز؛ شخص نمی تواند حکم کند که نور مورد زیارت در رؤیا؛ شخص حضرتش علیه السلام بوده اند، و صرف احساس یا برداشت و تلقی خود شخص؛ هم که نمی تواند دلیل باشد؛ چه بسا این قبیل احساسها و برداشتها را شخص در حالت بیداری هم داشته، ولی با تفحص دیده که صحیح نبوده است، بله، اگر قطع و یقین پیدا کند؛ حکمش فرق می کند، آن وقت اگر چنین چیزی با شرایط و لوازم شرعی پیش بیاید؛ به لحاظ اینکه "قطع" حجت شرعی است، می تواند مورد التفات قرار گیرد.

{۳}. به هر حال در صورت توفیق مؤمنین به تشرّف خدمت حضرت امام زمان علیه السلام در عالم رؤیا، باید ملاحظه کنند که: اگر مضمون و مفاد آن موافق با عقاید صحیح و تکلیف شرعی اوست؛ که در این صورت جنبه بشارت و مبشره داشته و به حکم تشویق شخص برای استقامت در مسیر است، و آلا اگر مضمون و مفاد آن با عقاید صحیح و تکلیف شرعی او موافق نباشد؛ به هیچ وجه مورد اعتنا نخواهد بود.

{۴}. البته اهل سلوك و سیر معنوی مطلعند که: بطور کلی منامات و مشاهدات نورانیة هم می تواند از شواغل و مشغول کننده های بازدارنده برای سالکین باشد، ولذاست که توصیه بزرگان اهل حق؛ بر عدم اعتنای به این سوانح و واردات است که: {هر چه در این ره که نشانت دهند - گرنستانی به از آنت دهند}، و اهل همت و مقاصد عالیّه؛ در مسیر رسیدن به حضرت محبوب؛ به این مناظر بین راهی؛ التفاتی نمی کنند، و به آن مشغول نمی شوند.

{۵}. اما تشرّف به زیارت حضرت حجة بن الحسن علیه السلام در عالم بیداری؛ در دوره ستر و پنهانی؛ امری است ممکن، بلکه مورد آرزو و درخواست؛ در ادعیه توصیه شده و صادره از ناحیه مقدسه علیه السلام است (اللّهُمَّ ارنا الطّلعَة الرّشیدة و

الغرّة الحميدة...)، و شرح وقایع بسیار عدیده ای از ابتدای دوران ستر و پنهانی؛ تا کنون نسبت به اصناف مختلفه مؤمنین (از بیسواد و باسواد و فقیر و غنی و عالم و امیر و غیر آنها)؛ در کتابهای معتبر بزرگان علمای شیعه؛ از ابتدا تا کنون ضبط و درج گردیده است، آنچنان که برای مؤمنین به حضرت ولی عصر علیه السلام؛ جای هیچ گونه شك و تردیدی نبوده؛ و نیست.

{۶}. ولی این تصور که هر چه از این قبیل رخ دهد؛ حتما تلاقی با شخص حضرتش بوده؛ معلوم نیست، چه بسیار ممکن است که از قبیل مکاشفه بوده؛ یا ملاقات با کارگزاران حضرتش بوده؛ که در پی استغاثه مؤمنین به حضرت صاحب الزمان علیه السلام اینها را به فریادری وی فرستاده باشند.

{۷}. اما اینکه هر چه در این باب نوشته شود یا گفته شود؛ حتما واقعه صادقه بوده؛ این بدیهی است که اینطور نیست.

{۸}. اما این مطلب که: اگر توفیقی برای شخصی رخ دهد؛ چه در خواب و چه در بیداری؛ آیا جایز است نقل و نشر آن در زمان حیات خود شخص یا بوسیله خود شخص؟ پاسخ آنکه؛ بدون شك جایز است، چه اینکه بیشتر آنچه در این خصوص به دست نسل امروز رسیده است؛ همانی است که از علمای بزرگ شیعه در زمان حیاتشان نقل؛ بلکه توسط خود ایشان در کتابهایشان درج و نشر شده است. لذا اصل نقل و نشر اشکالی ندارد.

{۹}. و این بهانه که می گویند (آزادبودن و فراوانی سخن در این باب؛ موجب بروز ادعای کاذب و دکان داری مدعیان می شود) صحیح نبوده؛ بلکه بر عکس؛ فراوانی کلام در این باره؛ موجب معمولی بودن این امر در میان عموم شده؛ و دیگر ویژگی خاصی برای کسی تلقی نمی گردد؛ تا اینکه خوف ادعا و توابع آن بشود، بلکه بالعکس تنگ نمودن فضا در این خصوص و قاچاق جلوه دادن این

مبحث؛ موجب نادر و فوق العاده شدن موضوع شده؛ که بالطبع توجه عموم را در پی داشته؛ و نیز موجب انحصار و محدودیت در افراد خاص و مخصوصی شده، که در این صورت و در این هنگام است که زمینه ادعا در این موارد پیش می آید، و بازار متاع کاذب و ناخالص رواج می گیرد، و فقط درستها محدود؛ و حقایق مهجور؛ و اهل واقع و قضایای واقعی؛ بیش از پیش غیر قابل دسترس می شوند. فلذا برای جلوگیری یا پیشگیری از وقایع غیرصادقه؛ نباید کل موضوع را زیر سؤال برد، و نباید علاقه مندان به این مطلب را متهم کرد.

{۱۰}. البته اهل همت و توجه به مقاصد عالیّه مطلعند که: زیارت و لقای ظاهری چه در خواب چه در بیداری؛ هر چند خود شرافتی است و توفیقی؛ ولی این مهمترین مرتبه و توفیق در ارتباط با حضرتش نیست؛ چه اینکه بسیار اشخاص بوده اند که توفیق تشرف ظاهری داشته اند؛ ولی آن توفیق امری مقطعی بوده؛ و در بقیه احوال؛ شخصی عادی بوده اند، مانند بسیاری که در طی توسل برای شفای از مرضی؛ یا پیدا کردن مسیر راه و جاده ای؛ به این توفیق نایل شده اند، ولی در آن سو نیز کسانی بوده اند؛ که از نظر ارتباط حتی مرتبه جانشین امام زمان علیه السلام را داشته اند؛ همچنانکه مرحوم علامه مجلسی در واقعه جزیره خضراء نقل نموده است؛ که نایب خاص حضرت مهدی علیه السلام و حاکم کل بلاد خاصه حضرت قائم علیه السلام که خود از نوادگان حضرت بوده؛ و هر هفته تمام برنامه مراجعاتش را مکتوب از ناحیه حضرت حجت علیه السلام دریافت می کرده؛ ولی با این حال از نظر ظاهری؛ تشرف پیدا نمی کرده است، ولی پدرش صدای حضرت را می شنیده؛ ولی شخصشان را نمی دیده، اما جدش هم صدای حضرت را می شنیده؛ و هم شخصشان را می دیده است، و همچنانکه در توقیع شریف حضرت ولی عصر علیه السلام آمده است: {این امر از عزایم الهی است} از این رو بندگان حقیقی مولا علیه السلام

اختیار و انتخاب او را بر رغبت خود ترجیح می دهند. و اهل معرفت ضمن شکرگزاری بر مثل چنین توفیقاتی؛ و تقویت عزم با مذاکره مثل آنها از سایرین؛ از مشغول شدن بیش از این؛ و یا به این گونه توفیقات (رؤیا و مشاهده) شخصیه؛ همانند دیگر توفیقات معنویشان؛ می پرهیزند، چه برسد به نقل و نشر آن وقایع شخصیه. البته همچنانکه گذشت؛ نقل آن توفیقات شخصیه در مورد لازم و ضرورت؛ جهت تقویت عزم مستمع قابل؛ بر افشا کننده آن توفیقات؛ موجب نقص و عیبی نمی باشد. و در این حکم فرقی نیست؛ که گوینده شخص مشهور باشد، یا شخص عادی. و سخن آخر در این بخش اینکه: هر چند اقتضای باده نوشی مستی و عربده های مستانه است، ولی رند عالم سوز آنکه؛ اقیانوسی از باده وصال را در کشد، و نه تنها مست نشده؛ بلکه چشم او حتی سرخ هم نشود. {نقل از رساله: جای از سبوی معرفت مهدوی علیه السلام}

یا ابا صالح المهدی
انی مستحیر یک فاجبرنی

استجاره به بیت الله الحرام

استجاره به مشاهد نبوی ﷺ فاطمی علیها ائمه بقیع علیهم

استجاره به مشهد علوی علیها

استجاره به مشهد حسینی علیها

استجاره به مشهد کاظمین علیهم

استجاره به مشهد رضوی علیها

استجاره به مشهد عسکریین علیهم

استجاره به حرم مهدوی علیها در سامراء

استجاره به مشاهد مهدوی علیها در سایر بلاد

استجاره به محضر امام زمان علیها در هرجا و هر زمان

استجاره به بیت المقدس

استجاره به مسجد کوفه

استجاره به سایر بقاع مشرفه

استجاره به مساجد بلاد

شرح این مباحث در مجلدات بعدی ان شاء الله

پژوهشگده ها و آموزشگده هاى بنىاد حىات اعلى

علوم معرفت الهى - علوم زبان وحى - علوم كلام وحى

علوم تلاوت كلام وحى - علوم كلام خازنان وحى - علوم فقه آئين الهى

علوم تقويم نجوم تخم - علوم طب جامع - علوم پاكزىستى

آموزش برتر (اعلى) - علوم برتر (اعلى) - علوم توانمندى بانىروى الهى

علوم عمارت برتر - علوم انسب و تبارشناسى - رسانه هاى حىات اعلى

طرح و برنامه رىزى پژوهشى و مديريت و اشراف علمى

دارالمعارف الإلهية

نشر ششم: يازدهم جمادى الآخرى ١٤٣٧

www.Aelaa.net

aelaa.net@gmail.com

والحمد لله رب العالمين